



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آسیب شناسی دین‌گرایی جوانان با الهام از کلام و سیره امام علی (ع)

حجة الاسلام حسین مهدی زاده

محقق حوزه و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی
مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره)

مقدمه

دین و دینداری، پیشینه‌ای به اندازه حیات انسان دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت دین و انسان همزمان پای به عرصه وجود نهاده‌اند. در بین پدیده‌ها و مظاهر فرهنگی جوامع، دین همیشه در حیات فکری و معنوی افراد جامعه نقش دایمی و اساسی داشته است، ولی به تناسب تغییر شرایط جامعه و بروز موانع، میزان پای‌بندی افراد به دین، دچار شدت و ضعف شده است. همان‌گونه که بدن و جسم انسان دچار بیماری می‌شود، ممکن است دینداری انسان به عنوان پدیده روحی و معنوی دچار آسیب گردد. با توجه به جوان بودن جامعه ما و به لحاظ نقش خطیری که جوانان دین‌دار در آینده جامعه دارند، آشنایی با عوامل آسیب‌زا به دین‌گرایی جوانان و تلاش برای برطرف کردن آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آشنایی با عوامل آسیب‌زای دین‌گرایی جوانان، به مراکز فرهنگی خصوصاً حوزه‌های علمیه کمک خواهد کرد تا با برنامه‌ریزی بهتر، رسالت خود درباره تربیت دینی جوانان را به صورت شایسته‌تری انجام دهند.

پژوهش در مقوله آسیب‌شناسی دین‌گرایی جوانان، عرصه‌ای جدید و بدون پیشینه تحقیقی درخور است؛ از این رو، این تحقیق که با رویکرد به اندیشه والای امام علی علیه السلام انجام یافته است مقدمه‌ای در این باب است که نویسنده امیدوار است که با انجام چنین تحقیقاتی باب پژوهش و تحقیق بیشتر در آسیب‌شناسی دین‌گرایی جوانان، به روی پژوهش‌گران گشوده گردد.

۱. ویژگی‌های دوران نوجوانی و جوانی

در یک نگاه اجمالی می‌توان حیات انسان را به دوره‌های کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و کهن‌سالی تقسیم نمود. در بین این دوره‌ها، مهم‌ترین دوران از نظر تأثیر گذاری بر سعادت یا شقاوت انسان، دوره نوجوانی و جوانی است. که در متون دینی، از آن دو به «حَدَث» و «شباب» تعبیر شده است.

از آنجا که محدوده مقاله حاضر، اندیشه امام علی علیه السلام است، نخست به اجمال ویژگی‌های جوان از دیدگاه ایشان بیان می‌گردد.

امام در وصیت اخلاقی به فرزند خود فرموده‌اند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْعَدَدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَشْفُو قَلْبُكَ وَيَسْتَوِيلَ لُبُّكَ؛ دل جوان همچون زمین ناکشته است؛ هر چه در آن افکنند بپذیرد. پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آنکه قلب و دل تو سخت و خرد تو به مطالب دیگر مشغول گردد»^۱.

امام در قسمت دیگری از وصیت اخلاقی خود فرموده‌اند: «حَيْثُ فَتَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِي أَوْلَادُ الشَّفِيقِ وَأَجْمَعْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَائْتِ مُقْبِلَ الْعُمُرِ وَمُقْتَبِلَ الدَّهْرِ دُونَ نِيَّةِ سَلِيمَةٍ وَنَفْسِ ضَافِيَةٍ؛ چون به کار تو چونان پدری مهربان عنایت داشتیم و بر ادب آموختنت همت گماشتیم، چنان دیدم که این عنایت در عفتوان جوانی‌ات به کار رود؛ در بهار زندگانی که نیتی سالم و نفس و روحی بدون انحراف و صاف داری^۲». امام علی علیه السلام در حدیث دیگری فرموده‌اند: «جَهْلُ الشَّبَابِ مَقْدُورٌ وَعِلْمُهُ مَحْقُورٌ؛ نادانی جوان غیر قابل ملامت و علم و دانش او محدود و اندک است»^۳.

در سخنان مذکور از امام علی علیه السلام به بعضی از ویژگی‌های جوان، همچون رقیق و نرم بودن قلب، پاکی و سلامت انگیزه‌ها، نفس و روح بدون انحراف و علم و تجربه محدود و اندک اشاره شده است.

علاوه بر ویژگی‌های یاد شده، در کتاب‌های روانشناسی نوجوانان و جوانان و منابعی که به بررسی مسایل و مشکلات جوانان می‌پردازند، خصوصیات دیگری مثل: جرأت و جسارت، تلاش و تحرک، حریت و آزادی خواهی، امید و آرمان‌گرایی، نشاط و طراوت، عاطفه و لطافت، غرور و غلبه جویی، احساس شخصیت و منزلت‌طلبی،

رفاقت و رقابت، پرسش‌گری، بلوغ، حق‌جویی و حق‌گرایی... برای جوانان ذکر شده است.^۱ خصوصیات مذکور با تفاوت در مقدار و میزان، ممکن است نقش آسیب‌زایی یا برعکس نقش آسیب‌زدایی داشته باشند. در بین این خصوصیات، حق‌جویی و حق‌گرایی جوان، به دلیل ریشه فطری، از ثبات و استحکام و برجستگی خاصی برخوردار است. بر اساس این ویژگی، جوان به طور مدام و پیوسته در جستجوی حقیقت است تا به آن گرایش یابد. مکاتب الهی، خصوصاً اسلام به دلیل سرچشمه گرفتن از وحی و مطابقت با نیازهای طبیعی و فطری، یکی از مصادیق برجسته حقیقت است. بنابراین با توجه به ویژگی حق‌جویی و حق‌گرایی جوان، دین و مذهب حق، اگر با روش صحیح به نوجوان و جوان عرضه گردد، جوان با اشتیاق کامل آن را پذیرا می‌شود و با تمام وجود در راه تحقق ارزش‌ها و اهداف آن فداکاری می‌نماید.

گرایش امام علی علیه السلام و دیگر جوانان به نهضت و دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، استقبال جوانان ایران و دیگر کشورهای اسلامی از نهضت اسلامی امام خمینی (ره)، شواهد محکمی بر صدق این مطلب است که نوجوان و جوان به طور فطری، دین‌گرا و دارای تمایلات مذهبی است. بر اساس همین تمایلات شدید دینی در سنین جوانی، آفریدگار دانا و حکیم، دوران بلوغ و جوانی، یعنی زمان اوج تمایلات مذهبی، را زمان دینداری رسمی، شرعی و قانونی او قرار داده است.^۲

۲. دین در اندیشه امام علی علیه السلام

اشاره شد که جوان بر اساس ویژگی حق‌جویی و حق‌گرایی فطری، دارای گرایش‌های دینی و تمایلات مذهبی است. اکنون سؤال این است که مگر دین چیست که

۱. برای آشنایی بیشتر با ویژگی‌های جوانان به منابع زیر می‌توان مراجعه نمود:

الف. «روان‌شناسی نوجوانان و جوانان»، دکتر سید احمد احمدی

ب. «جوان از نظر عقل و احساسات»، ج ۱ و ۲، حجة الاسلام والمسلمین محمد تقی فلسفی

ج. «مسائل نوجوانان و جوانان»، دکتر محمد خدایاری فرد

د. «مجله نگاه حوزه» شماره ۴۹-۵۰، «ویژه دین و جوان»، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸

ه. «جوان و رسالت حوزه»، مجموعه مقالات همایش جوان و رسالت حوزه خصوصاً مقاله «تعریف جوانی» از آقای دکتر میرباقری و مقاله «روش‌شناسی رفتار با جوان» از حجة الاسلام صادقی رشاد.

۲. فلسفی، محمد تقی، جوان از نظر عقل و احساسات، صص ۳۴۲-۳۳۹.

جوان به آن گرایش دارد. برای پاسخ‌گویی به این سؤال، مناسب است جستجوگر اندیشه امام علی علیه السلام درباره دین باشیم. آن حضرت می‌فرماید:

- «الدِّينُ أَفْضَلُ مَطْلُوبٍ؛ دین برترین مطلوب و خواسته است»^۱.

- «الدِّينُ أَقْوَى عِمَادٍ؛ دین محکم‌ترین ستون و پایه (زندگی) است»^۲.

- «الدِّينُ نُورٌ؛ دین نور و روشنایی است»^۳.

- «الدِّينُ عِزٌّ؛ دین عزت و سربلندی است»^۴.

- «إِنَّ الدِّينَ لَشَجَرَةٌ أَصْلُهَا التَّيْقِينُ بِاللَّهِ وَثَمَرُهَا التَّوَالَاةُ فِي اللَّهِ وَالمُعَادَاةُ فِي اللَّهِ شُبْحَانَهُ؛

همانا دین درختی است که ریشه آن یقین به خدا و ثمره و میوه آن دوستی و دشمنی به خاطر خدای سبحان است»^۵.

- «إِنَّ هَذَا الإِسْلَامَ دِينٌ لِلَّهِ الَّذِي اصْطَفَاهُ لِنَفْسِهِ؛ همانا دین اسلام دینی است که خدا

برای خود برگزیده است»^۶.

۳. ثمرات و فواید دین در اندیشه امام علی علیه السلام

در مواجهه انسان با دین، یکی از سؤال‌های مهم این است که دین چه آثار و فوایدی دارد؟ امروزه با گسترش مکاتب مادی و نگاه منفعت‌جویانه، سؤال مذکور به طور جدی‌تر در مقابل ادیان الهی، خصوصاً اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، خودنمایی می‌کند. از قدیم در کتاب‌های کلامی، در پاسخ به این سؤال، مباحثی مانند آثار دین، آثار ایمان، نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی، فواید بعثت پیامبران و... مطرح شده است. علاوه بر این در احادیث معصومین علیهم السلام نیز اشاره‌های صریح و روشنی یافت می‌شود که به عنوان نمونه، نگاه مختصری به آثار و فواید دین در اندیشه امام علی علیه السلام می‌نماییم:

- «ثَمَرَةُ الدِّينِ قُوَّةُ التَّيْقِينِ؛ ثمره دینداری قوت و استحکام یقین است»^۷.

- «ثَمَرَةُ الدِّينِ الأَمَانَةُ؛ ثمره دینداری امانت است»^۸.

۱. همان، ۲.

۲. همان، ۴.

۳. نهج البلاغه دشتی، خ ۱۹۸.

۴. همان، ۸.

۱. تصنیف غررالحکم، ص ۸۴.

۲. میزان الحکمة، ج ۳، واژه دین.

۳. تصنیف غررالحکم، ص ۸۵.

۴. تصنیف غررالحکم، ص ۸۶.

- «الدِّينُ يَغْصِمُ؛ دین حافظ و نگهبان (انسان از بدی‌ها) است»^۱.

- «صَبْرَ الدِّينِ جُنَّةٌ حَيَاتِكَ وَالتَّقْوَى حُدَّةٌ وَفَاتِكَ؛ دین را سپر زندگی، و تقوا و خویشتن داری را توشه وفات بگردان»^۲.

- «اجْعَلِ الدِّينَ كَهْفَكَ وَالْعَدْلَ سَيْفَكَ تُنَجِّجُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَتَقْفِرُ عَلَيَّ كُلَّ عَدُوٍّ؛ دین را دژ و پناهگاه مستحکم و عدل را وسیله دفاع قرار بده تا از هر بدی نجات و بر هر دشمنی پیروز گردی»^۳.

- «عَلَيْكُمْ بِزُومِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى وَالتَّيْقِينِ فَهِنَّ أَحْسَنُ الْحَسَنَاتِ وَيَهْرَنَ يَنَالُ (تَنَالُ) رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ؛ ملازم و همراه با دین، و تقوا و یقین باشید؛ زیرا این‌ها بهترین نیکی‌ها هستند و به وسیله اینها انسان به درجات بلند معنوی می‌رسد»^۴.

از مجموع احادیث فوق، استفاده می‌شود که در اندیشه امام علی (علیه السلام)، دینداری ثمرات و آثار فراوانی مثل: یقین و معرفت قوی و مستحکم، امانتداری، پاکی از بدی‌ها، بازدارندگی در مقابل آسیب‌ها، نجات از هر بدی، پیروزی بر دشمن و رسیدن به درجات والای معنوی و... دارد.

علاوه بر این فواید، که به صورت عام در نگاه کلان حضرت به دین، قابل ذکر هستند، در سخنان امام علی (علیه السلام) (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰) به آثار و فواید احکام اسلامی همچون حج، صله رحم، صدقه و... نیز پرداخته شده است^۵.

۴. اوصاف مثبت و منفی دینداری انسان در اندیشه امام علی (علیه السلام)

پس از بحث درباره دین و فواید آن در اندیشه امام علی (علیه السلام)، سؤال قابل طرح این است که آیا همان گونه که بدن و جسم انسان متصف به اوصافی مثل قوت و ضعف، صحت و فساد، حیات و مرگ و... می‌شود، دین و دینداری انسان که مقوله‌ای روحی و معنوی است نیز متصف به این صفات می‌شود یا نه؟ و اساساً آثار و فواید مطرح شده برای دین، مختص به چه دینی و با چه اوصافی است؟ برای یافتن پاسخ این سؤال‌ها،

۱. نهج البلاغه دشتی، خطبه ۱۹۸. ۲. همان.

۳. همان. ۴. همان.

۵. برای آگاهی بیشتر در باب آثار و فواید دین خصوصاً دین اسلام به کتاب «کلام جدید» از آقای عبدالحسین خسرو پناه گفتار دهم، کارکردهای دین ص ۲۴۵ چاپ مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه مراجعه شود.

برخی از احادیث امام علی علیه السلام را که مبین اندیشه آن حضرت در این زمینه است، مرور می‌کنیم:

الف. احادیثی که در آنها اوصاف مثبت مثل قوت، سلامت و استقامت، به دین نسبت داده شده است:

- «مَنْ صَحَّحَتْ دِيَانَتُهُ قَوِيَتْ اَمَانَتُهُ؛ فردی که دیانت او صحیح باشد، امانت‌داری او قوی است»^۱.

- «الْمَغْبُوطُ مَنْ سَلَّمَ لَهُ دِيْنَهُ؛ انسان دارای دین سالم، مورد غبطه دیگران واقع می‌گردد»^۲.

- «اَفْضَلُ السَّعَادَةِ اِسْتِقَامَةُ الدِّيْنِ؛ بهترین سعادت و خوشبختی برخورداری از دین مستقیم و پایدار است»^۳.

- «فَمِنْ اَعْلَامَةِ اَحْدِهِمْ اِنْكَتَرَى لَه قُوَّةٌ فِى دِيْنِه؛ از نشانه‌های انسان متقی و خویشتن‌دار، این است که در او قوت و استحکام دینی مشاهده می‌کنى»^۴.

- «الَّتِيْقَطُّ فِى الدِّيْنِ نِعْمَةٌ عَلٰى مَنْ رَزَقَهُ؛ بیداری در دین، نعمتی است برای فردی که چنین روزی به او داده شده است»^۵.

ب. احادیثی که در آنها اوصاف منفی مثل فساد، وهن، نقصان و آفت به دین نسبت داده شده است:

- «الْمَغْبُوتُونَ مَنْ فَسَدَ دِيْنُهُ؛ مغبون و خسارت دیده فردی است که دین او فاسد شده باشد»^۶.

- «مَنْ اَفْسَدَ دِيْنَهُ اَفْسَدَ مَعَاذَهُ؛ هر فردی که دین خود را فاسد کند، سرای آخرت خود را فاسد کرده است»^۷.

- «مَا اَوْهَنَ الدِّيْنُ كَتْرَكَ اِقَامَةَ دِيْنِ اللّٰهِ وَتَضْيِيعَ الْفَرَائِضِ؛ چیزی مانند ترک اقامه دین خدا و ضایع و نابود کردن واجبات الهی، باعث وهن و سستی دین نمی‌گردد»^۸.

- «اَلْاِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِّلْدِيْنِ؛ پس به درستی که فقر باعث نقصان دین‌داری و کوتاهی در انجام وظایف دینی است»^۹.

علاوه بر این احادیث، که مبین آسیب‌پذیری دین‌داری و در نتیجه مبتلا شدن دین به

۱. تصنیف غرورالحکم، ص ۸۶
 ۲. تصنیف غرورالحکم، ص ۸۵
 ۳. تصنیف غرورالحکم، ص ۸۴
 ۴. همان، حدیث ۱۴۳۴
 ۵. همان، حدیث ۱۴۳۴
 ۶. همان، حدیث ۱۴۰۶
 ۷. همان، حدیث ۱۴۲۷
 ۸. همان، حدیث ۱۹۳
 ۹. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹

فساد، سستی، نقصان و آفت است، در احادیث دیگری به مرحله شدید آسیب‌پذیری دین، با عناوینی مثل، ترک دین، بی‌دینی، نابودی دین... و آثار منفی آن تصریح شده است:

«یا بنی... فَهَرَبَ أَمْرٌ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكٌ دِينِكُمْ؛ ای فرزندانم! چه بسیار امری که طلب می‌کنی آن را، ولی هلاک و نابودی دین تو در آن است»^۱.

«لَا يَشْرِكُ النَّاسَ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِضْلَاحِ دُنْيَاهُمْ إِلَّا قَتَعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضْرَمُهُ؛ مردم حکمی از احکام دینی خود را به قصد آبادی دنیای خویش ترک نمی‌کنند، مگر اینکه خدا راه پر ضرورتی را به روی آنها می‌گشاید»^۲.

«فَأَقِمْ وَدَانَ الدِّينِ مُتَرَدِّدًا فِي الْكُفْرِ وَالضَّلَالِ؛ انسان بی‌دین در کفر و گمراهی سقوط می‌کند».

«مُفَارَقَةُ الدِّينِ مُفَارَقَةُ الْأَمْنِ؛ مفارقت و جدایی از دین، باعث جدایی از امنیت و آرامش است»^۳.

«مَنْ لَا دِينَ لَهُ لَا نَجَاةَ لَهُ؛ فردی که دین ندارد اهل نجات نیست»^۴.

«مَنْ لَا دِينَ لَهُ لَا مَرُوءَةَ لَهُ؛ فردی که دین ندارد مروّت و جوانمردی ندارد»^۵.

از مجموع احادیث فوق چند نکته قابل استفاده است:

۱. دینداری به عنوان پدیده‌ای روحی و معنوی، مانند بدن و جسم انسان، دچار صحت و فساد، قوت و ضعف، سستی و نابودی می‌شود.

۲. آثار و فواید ذکر شده در احادیث برای دین، مربوط به دین صحیح، قوی و مستحکم است؛ در مقابل، دین ضعیف و ناقص، آفت‌ها و آسیب‌هایی را در پی دارد.

۳. همان‌گونه که جسم و بدن می‌تواند در یک سیر صعودی و نزولی، از قوت به ضعف و از ضعف و سستی به نیستی و نابودی و بالعکس حرکت کند، دینداری نیز به عنوان یک امر روحی و معنوی، می‌تواند دو حرکت صعودی و نزولی داشته باشد؛ یعنی دینداری انسان نیز می‌تواند از قوت به ضعف و از ضعف به قوت، حرکت نزولی و صعودی داشته باشد.

۵. عوامل آسیب‌زا به دین‌گرایی جوانان در اندیشه امام علی (ع)

سؤال اصلی پژوهش حاضر، این است که «در اندیشه علوی عوامل آسیب‌زا به

۱. همان، حکمت ۱۰۶.

۱. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.

۲. همان، حدیث ۱۴۲۵.

۳. همان، حدیث ۱۴۲۶.

۴. همان، حدیث ۱۴۳۳.

دین‌گرایی جوانان چیست؟

پاسخ تفصیلی این سؤال، در مباحث آینده روشن خواهد شد. قبل از ورود در بحث، تذکراتی کلی لازم است:

الف. عواملی که درباره آنها بحث خواهد شد، عواملی است که نگارنده در محدوده پژوهش در اندیشه امام علی علیه السلام به آنها دست یافته است. بنابراین، طبیعی است که در حیطه گسترده قرآن و احادیث دیگر معصومان علیهم السلام، عوامل بسیار دیگری قابل بحث و بررسی باشند که از موضوع پژوهش حاضر خارج و نیازمند پژوهش وسیع‌تر با عنوان گسترده‌تری است.

ب. در محدوده اندیشه امام علی علیه السلام نیز ممکن است عوامل دیگری قابل طرح و بحث باشند که نگارنده به سبب محدودیت زمان و منابع نتوانسته است به آنها دست یابد. بنابراین، پژوهش حاضر ادعای استقصای کامل و انحصار عوامل ذکر شده را ندارد.

ج. بعضی از عوامل مانند سهل انگاری والدین، از عوامل اختصاصی آسیب‌زا به گرایش دینی جوانان هستند، ولی بعضی از عوامل مثل درستان ناباب، فقر فرهنگی فقر و غنای مفرط اقتصادی و... به دلیل گستره تأثیر آنها، اختصاصی به جوانان ندارند و شامل دوران بزرگسالی نیز می‌شوند؛ ولی به دلیل حساسیت و ویژگی‌های دوران جوانی، آسیب‌زایی همین عوامل عام نیز در دوران جوانی بیشتر است. و همین نکته، باعث آوردن آنها در زمره عوامل آسیب‌زا به دین‌گرایی جوانان شده است. پس از تذکرات فوق اکنون عوامل آسیب‌زا به گرایش دینی جوانان در اندیشه امام علی علیه السلام بیان می‌گردد.

۱-۵. سهل انگاری والدین

فرزند از ابتدای زندگی تا هنگام ازدواج و تشکیل زندگی مستقل، بخش زیادی از عمر خود را در کانون خانواده و در کنار والدین سپری می‌کند؛ بنابراین می‌توان والدین را از نخستین و مهم‌ترین عوامل تربیت فرزندان به شمار آورد.

جسم و روح، دو ساحت مهم وجودی انسان هستند که هر یک به آفات و بیماری‌هایی مبتلا می‌شوند. معقول و منطقی آن است که پدر و مادر، همانگونه که در مقابل بیماری‌های جسمانی فرزند حساسیت دارند و برای تأمین سلامت جسمانی او تلاش می‌کنند، در مقابل بیماری‌های روحی و روانی فرزند نیز حساسیت لازم را داشته و برای

تأمین سلامت روحی و روانی او کوشش نمایند. امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا (س) به عنوان خانواده‌ای موفق در تربیت فرزندان شایسته، توجه و عنایت لازم را به تربیت روحی و روانی فرزندان خویش داشته‌اند که شاهد آن پرورش امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در این خانواده نمونه است. امام علی علیه السلام از این دو امام بزرگوار با عنوان «دو آقای جوانان بهشت» یاد کرده است: «مِنَّا سَيِّدَا شَبَابَا أَهْلِ الْجَنَّةِ»^۱.

از امام علی علیه السلام به عنوان پدری اسوه و نمونه، میراث تربیتی فراوانی باقی مانده است که مفصل‌ترین و ارزشمندترین آن، نامه سی و یکم نهج البلاغه است. این نامه، منشور تربیتی کامل و جامعی خطاب به همه مریبان، مخصوصاً پدران و مادران دلسوزی است که همانند امام علی علیه السلام به وجود رابطه بین سعادت و شقاوت خود و فرزندان اعتقاد راسخ دارند.

امام خطاب به فرزند خود در نامه مذکور فرموده‌اند: «وَجَدْتُكَ بَغِيضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كَلْبِي، حَتَّى كَأَنَّ شَيْئاً لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي؛ تو را جزیی از خود بلکه همه خود یافتم تا حدی که هرچه به تو اصابت کند گویا به من نیز اصابت می‌کند»^۲. حضرت در قسمت دیگری از وصیت اخلاقی و تربیتی خود، وظیفه پدر دلسوز را توجه ویژه به ادب و تربیت فرزند قبل از جوانی ذکر می‌کند: «حَيْثُ هَنَانِي مِنْ إِمْرِكِ مَا يَغْنِي الْوَالِدَ الشَّفِيقَ وَأَجْمَعَتْ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَأَنْتَ مُثْقِلُ الْعُمُرِ؛ چون به کار تو چونان پدری مهربان عنایت داشتم و بر ادب آموختنت همت گماشتم، چنان دیدم که این عنایت در عنفوان جوانی به کار رود»^۳. از آنچه گذشت، آشکار می‌گردد که در اندیشه امام علی علیه السلام، سهل انگاری در تربیت دینی فرزند یکی از عوامل آسیب‌زا در دین‌گرایی نسل جوان می‌باشد. لازم است مریبان، که اولین و مهم‌ترین مصداق آن والدین هستند، از سنین خردسالی توجه و عنایت کافی به تربیت دینی فرزندان خود داشته باشند.

متأسفانه در عصر حاضر، والدین توجه و اهتمام مناسب به تعلیم آموزه‌های دینی به فرزند خویش را ندارند؛ واقعیتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در روایتی به آن تصریح کرده‌اند: «إِنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَغْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ: وَزَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ، فَعَقِيلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمْ الْمَشْرِكِينَ؟ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمْ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ

۱. نهج البلاغه، نامه ۲۸.

۲. همان، نامه ۳۱.

۳. همان.

منعوم و رضوا عنهم بعرض یسیر من الدنیا فانا منهم بری و هم منی بُراء؛ (پیامبر ﷺ) به بعضی از بچه‌ها نگاه کردند و سپس فرمودند: وای از دست پدران نسبت به فرزندان آخر الزمان. گفته شد از پدران مشرک آنها شکایت دارید؟ فرمودند: خیر از پدران مؤمن آنها که چیزی از واجبات دینی به آنها آموزش نمی‌دهند و اگر خود فرزندان دنبال فراگیری معارف دینی باشند، آنها را از آن منع می‌کنند و نسبت به فرزندان به متاع اندک و کم ارزش دنیا راضی می‌شوند. من و چنین پدرانی از هم دیگر بیزار هستیم^۱.

واقعیت تلخ این است که بخش زیادی از آسیب‌های دینداری جوانان در عصر حاضر، معلول سهل‌انگاری و پیشه ساختن سیاست تساهل و تسامح خانواده‌ها و والدین نسبت به تربیت دینی فرزندان است. متأسفانه امروزه والدین احساس مسئولیت جدی در مقابل تأدیب و تربیت دینی فرزندان خود ندارند. بعضاً مشاهده می‌شود خانواده‌ها برای فراگیری زبان انگلیسی، کامپیوتر و مسایل هنری، (که البته در زمان مناسب و در حد خود به شرط سالم بودن محیط و محتوای اینگونه کلاس‌ها مفید و لازم نیز هستند) مبالغ فراوانی هزینه می‌کنند، ولی حاضر نیستند از طریق فرستادن فرزندان خود به کلاس قرآن، خریدن کتاب‌ها و مجلات مفید مذهبی و... در زمینه ارتقای بینش و معرفت دینی، که مانع آسیب‌پذیری دینی در بزرگسالی است، سرمایه‌گذاری مادی و معنوی بنمایند. پر واضح است که ثمره چنین سیاستی، فقر فرهنگی و معرفتی در حوزه معارف دین در دوران جوانی و بزرگسالی است و فقر و ضعف فرهنگی در حوزه معارف دینی نیز، فراهم کننده زمینه آسیب‌پذیری جوانان در گرایش‌های دینی خواهد بود.

۲-۵. فقر فرهنگی

بر خلاف تصور رایج که معمولاً فقر و غنا به تهیدستی و بی‌نیازی مالی و اقتصادی معنا می‌شود، فقر و غنا در اندیشه امام علی علیه السلام در معنای گسترده‌تری از تهیدستی و بی‌نیازی مادی به کار رفته است. مثلاً در این کلام امام علی علیه السلام «لا غنی کالعقل ولا فقر کالجهل»، به قرینه عقل و جهل، که از امور معنوی هستند، مراد از غنا و فقر در این روایت، بی‌نیازی و تنگدستی معنوی است^۲.

ولی در این سخن امام علی علیه السلام «ان الله سبحانه فرض فی اموال الاغنیاء اقوات الفقراء فما

۱. الطفل نشووه و تربیته، ص ۳۰۵، به نقل از مستدرک الوسائل.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۵۴.

جاء فقير الآ بما تُنَّع به غني والله تعالى سائلهم عن ذلك؛ به قرينه اموال و اقوات که مادی هستند، مراد از فقر و غنا، نیز تهیدستی و بی‌نیازی مادی است.^۱

بنابراین در یک نگاه کلی، فقر و غنا را می‌توان به دو نوع «مادی» و «معنوی» یا «فرهنگی» و «اقتصادی» تقسیم کرد. به جز غنای فرهنگی که باعث آسیب‌زدایی و تقویت دینداری است، سه قسم دیگر یعنی فقر فرهنگی، فقر اقتصادی و غنای اقتصادی با اختلاف در مقدار و درجه، می‌توانند به دین‌داری انسان آسیب برسانند. مراد از فقر فرهنگی در نوشته حاضر، تهیدستی مردم خصوصاً نسل جوان نسبت به مسایل فرهنگی، مانند عدم شناخت و عمل نسبت به مسایل دین به عنوان جزء مهم فرهنگ است. در مقابل، مراد از غنای فرهنگی، قوت و استحکام در عرصه علمی و عملی فرهنگ و التزام به مسایل فرهنگ دینی است. در اندیشه امام علی علیه السلام، فقر فرهنگی سخت‌ترین و بدترین نوع فقر است: «قيل له عليه السلام قاي فقر اشد؟ قال عليه السلام الكفر بعد الايمان؛ از امام علی علیه السلام سؤال شد کدام نوع فقر شدیدتر و بدتر است؟ فرمود: کفر و وزیدن پس از ایمان^۲. در مقابل فقر فرهنگی غنای فرهنگی در اندیشه علوی والاترین و بزرگ‌ترین نوع غنا و بی‌نیازی دانسته شده است: «الفني بالله اعظم الغني؛ بی‌نیازی به سبب خداوند، بزرگ‌ترین نوع بی‌نیازی است^۳».

همان‌گونه که غنا و استحکام فرهنگی و دینی، باعث مصونیت فکری و فرهنگی می‌شود و آسیب‌زدایی آفت‌های دینی را به دنبال خواهد داشت در مقابل، فقر و ضعف فرهنگی و عدم آشنایی عمیق و تحلیلی با مسایل دینی، آسیب‌پذیری فرهنگی و دینی را در پی خواهد داشت.

پاسخ این سؤال که راه‌کار عملی برای مبارزه با فقر فرهنگی و در نتیجه مقابله با آسیب‌های احتمالی دینداری جوانان چیست؟ در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است. ایشان در روایت ثقلین، که مورد قبول عامه و شیعه است، تمسک به معارف قرآن و اهل بیت را به عنوان راه‌کار عملی توصیه فرموده‌اند.^۴

۱. همان، حکمت ۳۲۸.

۲. جلوه‌های حکمت، ص ۴۶۸.

۳. تصنیف غررالحکم، ص ۳۶۶.

۴. الا یا ایها الناس فانما انا بشر یوشک ان یأتی رسول ربی فاجیب وانا تارک فیکم ثقلین، اولهما کتاب الله فیہ الهدی والنور

علاوه بر این در حدیث دیگری، به استحکام عقیدتی و دینی افرادی که در اثر انس با قرآن و حدیث وارد دین شده‌اند، نیز تصریح شده است: «من دخل فی هذا الدین بالرجال اخرجہ منه الرجال کما ادخلوه فیہ و من دخل فیہ بالکتاب والسنة زالت الجبال قبل ان یزول»^۱ بنابراین راه حل مشکل فقر فرهنگی جوانان، این است که مربیان اعم از والدین، معلمان، عالمان دینی و... به عنوان عناصر تأثیرگذار بر متریان از سنین کودکی و خردسالی، پس از فراگیری روش صحیح و فنی و کارشناسانه آموزش مفاهیم دینی، متناسب با شرایط سنی، ذهن و قلب پاک مرتبی را با معارف زلال و گوارای قرآن و حدیث مأنوس و آشنا نمایند. در اندیشه امام علی علیه السلام، اولین سنگ بنای تربیت دینی و اسلامی کودک، آشنایی با تعالیم قرآن و احکام اسلام و حلال و حرام الهی است. امام خطاب به فرزند خود می‌فرماید: «ان ابتد تک بتعلیم کتاب الله عزوجل و تأویلہ و شرائع الاسلام و احکامه و حلاله و حرامه لا اجاوز ذلک بک الی غیره»^۲. از آخر کلام امام علیه السلام (لا اجاوز ذلک بک الی غیره) این نکته مهم استفاده می‌شود که در تربیت دینی، هیچ چیز نمی‌تواند جایگزین آموزش قرآن و حلال و حرام الهی گردد.

امام علیه السلام، در حدیث دیگری تصریح کرده‌اند که علوم ما اهل بیت علیهم السلام را به فرزندان خود آموزش دهید تا افکار و عقاید انحرافی «مرجئه» بر آنها غالب و مسلط نشود: «علموا صبیانکم من علمنا ما ینفعهم الله به لا تغلب علیهم المرجئه برأیها»^۳.

۱-۲-۵. جهاد فرهنگی جوانان با فقر فرهنگی

یکی از ویژگی‌های دوران جوانی، کمبود علم و دانش است. این کمبود، در حوزه علم و معرفت و فرهنگ دینی، می‌تواند به حیات معنوی و دینی آسیب وارد نماید و تنها راه مقابله با آن، افزایش معرفت دینی است که ثمره آن استحکام عقاید دینی است. در اندیشه امام علی علیه السلام بین مقدار معرفت و یقین و میزان پای‌بندی افراد به دین، رابطه‌ای

→ فخذوا بکتاب الله واستمسکوا به فحث الی کتاب الله و رغب فیہ ثم قال و اهل بیتی اذکرکم الله فی اهل بیتی، اذکرکم الله فی اهل بیتی اذکرکم الله فی اهل بیتی؛ صحیح مسلم ج ۳/۴ ص ۱۸ حدیث شماره ۲۴۰۸ چاپ عبدالباقی و سنن دارمی، ج ۲ ص ۴۳۲-۴۳۱. همچنین این حدیث با اندکی اختلاف در الفاظ، در سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۶۳ حدیث شماره ۲۷۷۸۸ و کنز العمال ج ۱، ص ۲۴ حدیث شماره ۸۷۴ نیز نقل شده است.

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. میزان الحکمه، ج ۳، وازه دین.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۷.

مستقیم وجود دارد. به این معنا که هرچه شناخت و یقین انسان از قوت و استحکام بیشتری برخوردار باشد، دینداری شایسته‌تری خواهد داشت.

امام علی علیه السلام در حدیثی فرموده‌اند: «حفظ الدین ثمرة المعركة؛ ثمره و فایده شناخت و حفظ و بقای دین است^۱». در حدیث دیگری فرموده‌اند: «حسن الدین من قوة اليقين؛ دینداری نیک و شایسته، از یقین قوی و مستحکم نشأت می‌گیرد^۲». در روایت دیگری امام علیه السلام خطاب به جوانان و جوانمردان فرموده است: «يا معشر الفتیان حصنوا اعراضکم بالادب و دینکم بالعلم؛ ای گروه جوانان آبروی خود را به وسیله ادب و دین خود را با علم حفظ نمایید^۳».

مراد از علم در روایت مذکور، به قرینه واژه «دین» و گوینده کلام که رهبر دینی است، علم و معرفت دینی است. اما اینکه چگونه علم و معرفت دینی باعث تحصین و حفظ دینداری انسان می‌شود، پاسخ را در حدیث دیگری از امام علی علیه السلام می‌توان جست: «تعلموا العلم فان تعلمه حسنة و مدارسته تسبیح و البحث عنه جهاد و تعلیمه من لا یعلمه صدقة و هو عند الله لاهله قریة لانه معالم الحلال والحرام و سلاح على الاعداء بالعلم یطاع الله و یعبد و بالعلم یعرف الله و یوحد و بالعلم توصل الراحام و به یعرف الحلال والحرام؛ علم (الهی و دینی) را فراگیرید، به درستی که فراگیری آن حسنه و کاری نیک، بررسی و تحقیق در آن تسبیح و ستایش خدا، بحث و مباحثه آن جهاد و یاد دادن آن به نادان، صدقه و علم نزد خداوند برای اهل آن باعث قرب و نزدیکی به خداست. زیرا علم دینی، نشانه‌های حلال و حرام است و چنین علمی اسلحه‌ای علیه دشمنان دین است. به وسیله علم دینی، خدا اطاعت و عبادت می‌شود و به یگانگی شناخته می‌گردد، صله ارحام انجام و حلال و حرام معرفی می‌شود^۴». آثار و برکات فراوانی که برای علم دینی در این روایت ذکر شده، همه از آثار و علایم دین ورزی است. از حدیث مذکور استفاده می‌شود که بین غنای معرفت دینی و دین ورزی، رابطه‌ای مستقیم برقرار است. هرچه معرفت دینی عمیق‌تر و مستحکم‌تر باشد، دینداری نیز عمیق‌تر است. بر همین اساس در فرهنگ قرآن و حدیث و از جمله در وصیت امام علی علیه السلام به فرزندش، (نهج البلاغه، نامه ۳۱) به تفقه در دین که همان تعمیق معرفت دینی است، توصیه اکید شده است.

۲. همان، ص ۸۶.

۱. تصنیف غررالحکم، ص ۸۵.

۴. میزان الحکمة، ج ۶ ص ۴۵۳.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۶.

۲-۵. جهاد فرهنگی رهبران دینی با فقر فرهنگی

در بحث قبل اشاره شد که برای مبارزه با فقر فرهنگی خود جوانان باید پیش قدم شوند و در زمره مجاهدان و تلاش‌گران جبهه جهاد فرهنگی قرار گیرند. اکنون سؤال این است که رهبران دینی به عنوان سرداران جبهه جهاد فرهنگی، چه نقشی در مبارزه با فقر فرهنگی دارند و در این جهاد، چه کمکی می‌توانند به جوانان بنمایند؟ قبل از پاسخ به این سؤال، مقدماً باید گفت همانگونه که در جهاد نظامی دو نوع جهاد «ابتدایی» و «دفاعی» مطرح است، در جهاد فرهنگی نیز دو نوع جهاد ابتدایی و دفاعی می‌تواند مطرح گردد.

الف. جهاد فرهنگی ابتدایی

مراد از این جهاد، آن است که رهبران دینی، قبل از هرگونه هجوم فرهنگی از طرف مخالفان فرهنگ اسلامی، جهاد و تلاش علمی و فرهنگی خود را آغاز نموده و ابتکار عمل در تبیین و تبلیغ صحیح معارف دینی را در دست گیرند. فراوانی استعمال واژه‌هایی همچون «بیان» و «بلاغ» و مشتقات آنها در آیات و روایات و سیره و سنت معصومان علیهم‌السلام مؤید این مطلب است که جهاد فرهنگی ابتدایی، رسالت نخستین و اساسی آنها بوده است. بسیاری از خطبه‌های امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه در تبیین و تبلیغ معارف دینی در راستای جهاد فرهنگی ابتدایی است. به عنوان نمونه، می‌توان به بعضی از خطبه‌های حضرت درباره معرفت خدا اشاره کرد. امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه به تناسب فهم و توانایی ذهنی افراد، راه‌های مختلف خداشناسی را مطرح کرده‌اند. مثلاً برای علاقه‌مندان به مباحث عقلی و فلسفی، مباحث عمیق و دقیق فلسفی و کلامی مربوط به خدا و صفات الهی را مطرح کرده‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۱). برای تثبیت معرفت فطری خدا، راه اتقان صنع و قدرت آفرینش الهی که فهم آن برای جوانان آسان‌تر است را درباره موجوداتی مثل مورچه (خطبه ۱۸۵)، ملخ (همان)، خفاش (خطبه ۱۵۵)، طاووس (خطبه ۱۶۵) مطرح نموده‌اند.^۱

گفتیم که یکی از ویژگی‌های جوان، پرسش‌گری است. پرسش‌گری ناشی از حس کنجکاری افراد است و اگر غرض از آن رفع نادانی باشد امری مطلوب است که در

۱. برای آشنایی بیشتر با فهرستی از مباحث اصول دین در نهج البلاغه، ر.ک: مقاله «المعجم الموضوعی لمباحث

فرهنگ قرآن و احادیث هم به آن تشویق شده است: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون»^۱ در اندیشه امام علی علیه السلام نیز سؤال به غرض تفقه و فهم، امری مطلوب و مورد تأکید است: «سل تفقهاً ولا تسأل تعنتاً»^۲.

سؤال به منظور فهم و درک حقیقت درباره مطالب مبهم دین، مطلوب است؛ زیرا باعث تفقه در دین و تعمیق اندیشه دینی می‌شود و تعمیق اندیشه دینی، از پیدایش شک و شبهه، که مقدمه سستی و ضعف دینداری است، پیشگیری می‌نماید. در اندیشه امام علی علیه السلام بر خلاف سؤال که امری مطلوب است، شک و شبهه در راستای ابطال یقین و ضعف و فساد دینی، امری مذموم و نامطلوب است و حضرت مردم را از آن برحذر داشته‌اند: «ایاک والشک فانه یفسد الدین و تبطل الیقین»^۳ در حدیث دیگری پس از ترغیب به ملازمت و همراهی با یقین، امام (ع) دستور اجتناب و دوری از شک داده‌اند: «علیک بلزوم الیقین و تجنب الشک فلیس للمرء شی اهلک لدینه من غلبه الشک علی یقینه»^۴. از این حدیث استفاده می‌شود، در اندیشه امام علی علیه السلام غلبه یقین بر شک باعث حفظ و بقاء دینداری است، و در مقابل کثرت شک و غلبه آن بر یقین، باعث نابودی و فساد دین است: «من کثر شکّه فسد دینه»^۵.

اگر سؤال شود چگونه در اثر غلبه شک بر یقین، دین نابود می‌شود، پاسخ این است که شک و شبهه در محرمات دینی و الهی، زمینه شهوت عملی و ارتکاب کارهای حرام را فراهم می‌نماید و ارتکاب کارهایی که از نظر دین، حرام و ممنوع است، از عوامل مهم تضعیف دینداری به حساب می‌آید. امام علی علیه السلام در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این مطلب تصریح کرده‌اند که عده‌ای در اثر شبهات دروغین، محرمات الهی را حلال می‌کنند: «انّ القوم... یستحلون حرامه بالشبهات الکاذبه... فیستحلون الخمر بالبئذ والسحت بالهدیه والریا بالبیع»^۶.

در حدیث دیگری نیز، به این واقعیت که شبهات و مشتبه شدن حلال و حرام، منشأ ارتکاب بسیاری از محرّمات و گناهان است تصریح شده و با توجه به آثار منفی شبهات، انسان از نزدیکی و وقوع در آنها برحذر داشته شده است: «ایاک والوقوع فی الشبهات

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰.

۴. همان.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

۱. دخل/۴۳.

۳. تصنیف غرورالحکم، ص ۷۱.

۵. میزان الحکمه، ج ۵، واژه «شک».

والولوع بالشهوات فأنهما یقتادانک الی الوقوع فی الحرام و رکوب کثیر من الآثام^۱».

برای آلوده نشدن به شبهات و پس از آلوده شدن، برای از بین بردن پیامدهای منفی آن، از اندیشه امام علی علیه السلام دو راه حل و دستور پیشینی و پسینی استفاده می‌شود:

۱. دستور پیشینی. یعنی دستوری که مربوط به پیش از ابتلا به آلودگی به شبهات است. همان‌گونه که انسان‌های ضعیف از نظر جسمانی، به منظور حفظ سلامتی خویش و پیشگیری از آلودگی، عقلاً و نقلاً موظف‌اند از محیط آلوده به ویروس اجتناب نمایند، انسان‌های ضعیف از نظر فکری و علمی نیز به منظور پیشگیری از آلودگی به ویروس شک و شبهه، باید خورشتن را از محیط‌ها، اشیاء و کالاهای فکری و فرهنگی مانند کتاب، مجله، روزنامه، فیلم، نوار و... که احتمال آلودگی روحی و روانی انسان به وسیله آنها قوی است، دور نگه دارند. البته واضح است که انسان‌های قوی از نظر فکری و روحی، دستور پرهیز ندارند بلکه حتی گاهی بر آنها واجب است برای دفاع از حریم دین، با این شبهات آشنا و به پاسخگویی آنها بپردازند. اینکه در فقه مطرح شده که حفظ کتب ضالّه و گمراه کننده حرام است ولی برای عده‌ای که قادر به پاسخگویی به سؤالات و شبهات آن هستند نگهداری آنها جایز است، به همین نکته اشاره دارد.

۲. دستور پسینی. یعنی دستوری که مربوط به پس از ابتلا است یعنی اگر فردی در اثر مراقبت نکردن و یا شدت آلودگی محیط فکری جامعه، آلوده به شبهات دینی شد، لازم است از راه‌های مختلف مثل مطالعه، تحقیق و سؤال از کارشناسان معتبر دینی، هرچه سریع‌تر دین خود را از شبهات منزّه و پاک سازد.

دو دستور مذکور، برگرفته از سخنان امام علی علیه السلام است: «نَزَّهُوا اَدِیَانِکُمْ عَنِ الشَّبَیْهَاتِ وَ صَوْنُوا اِنْفُسَکُمْ عَنِ مَوَاقِعِ الرِّیْبِ الْمَوِیْقَاتِ^۲» و «فَلِیْکُنْ طَلِبَکَ ذَلِکَ بِتَفْهَمٍ وَ تَعَلُّمٍ لَا بِتَوَرُّطٍ الشَّبَیْهَاتِ^۳»، علاوه بر تلاش و جهاد فرهنگی خود جوانان در فرض آلودگی آنان به شبهات، وظیفه رهبران و عالمان دینی نیز این است که با جهاد فرهنگی به دفاع از آینده سازان جامعه بپردازند و این جاست که جهاد فرهنگی دفاعی مطرح می‌گردد.

ب. جهاد فرهنگی دفاعی

مراد از این نوع جهاد، این است که پس از هجوم فرهنگی دشمن به جوانان از راه

۲. تصنیف غررالحکم، ص ۷۳.

۱. تصنیف غررالحکم، ص ۷۲.

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

القای شبهات، رهبران دینی به دفاع از مرزهای عقیدتی و فرهنگی اقدام نمایند. این نوع جهاد فرهنگی نیز در سنت و سیره تبلیغی پیامبران و ائمه علیهم‌السلام فراوان مشاهده می‌شود. امام علی علیه‌السلام قبل از آنکه سردار فداکار جبهه جهاد نظامی باشد، سردار بی بدیل جبهه جهاد و دفاع از فرهنگ دینی بوده است. پاسخ به سؤال‌ها و مقابله با شبهات مخالفان در جای جای نهج البلاغه و در احتجاجات و مناظره‌های علمی امام علی علیه‌السلام با مخالفان مسلمان و غیر مسلمان، که مقداری از آنها در کتاب «احتجاج» طبرسی آمده است، بهترین شاهد صدق مدعای فوق است.

امروزه نظام‌های استکباری پس از مایوس شدن از راه‌های نظامی برای ادامه استثمار خود در جوامع اسلامی از هجوم فرهنگی استفاده می‌کنند. یکی از اهداف اصلی هجوم فرهنگی تضعیف و سست کردن پایه‌های معرفت دینی مردم خصوصاً جوانان از طریق آلوده کردن ذهن آنان به شبهات است.

مراکز فرهنگی و در رأس آنها رهبران دینی باید پاسخگویی منطقی، استدلالی، عالمانه و مشفقانه، به سؤالات و شبهات دینی جوانان را وظیفه فوری و عاجل خویش بدانند و در عین حال از تندی و برخورد غضب آلود پرهیز نمایند. این همان درسی است که اندیشه امام علی علیه‌السلام فراروی ما قرار می‌دهد: «دع الحدة و تفکر فی الحجّة و تحفظ من الخطل تأمن الزلل» (تصنیف غررالحکم، ص ۵۸).

هجوم فرهنگی، دارای ابعاد و جلوه‌های بسیار زیادی است؛ بنابراین همکاری و همگامی همه مراکز فرهنگی برای جهاد با جلوه‌های مختلف آن لازم و ضروری است. اتحاد و هماهنگی، شرط موفقیت در هر نوع جهاد و مبارزه اعم از نظامی و فرهنگی است و این درسی است که از اندیشه امام علی علیه‌السلام می‌گیریم: «یکون همهم همأ واحداً فی جهاد العدوّ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و «ایاکم و تهزیع الاخلاق و تصرفها واجملوا اللسان واحداً» (همان، خطبه ۱۷۶).

۳-۵. رفیق بد

در بحث ویژگی‌های جوانان، اشاره شد که رفاقت جوئی و دوستی‌های شدید، یکی از خصایص دوران جوانی است. اکنون نگاهی به نقش دوستی در دینداری خواهیم داشت. دوست یک معنای عام و غیرمشهور دارد و آن هر چیزی است که انسان با آن مأنوس

می‌گردد. مثلاً اگر فردی بیشتر اوقات خویش را با کتاب مأنوس باشد، کتاب دوست اوست. علاوه بر این معنا، دوست معنای خاص نیز دارد؛ به دو فرد از نوع انسان که در اثر مشابهت در دین، مذهب، افکار، عواطف، رفتار، قومیت، سن... با یکدیگر مأنوس هستند، «دوست به معنای خاص و مشهور» اطلاق می‌شود.

دوست به هر دو معنای یاد شده، از عوامل مهم و مؤثر در زندگی انسان، خصوصاً جوانان به شمار می‌آید. در امور معنوی و دینی، دوست می‌تواند در سعادت یا شقاوت انسان نقش مهمی داشته باشد. قرآن کریم زبان حال دوزخیان را این‌گونه حکایت می‌کند: «یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً؛ ای وای اگاش فلانی را دوست خود انتخاب نمی‌کردم^۱».

امام علی علیه السلام در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل فرموده‌اند: «المرء علی دین من یتخالل فلیتی الله المرء ولینظر من یتخالل؛ انسان بر دین و آیین فردی است که با او دوستی می‌کند. پس باید تقوا پیشه نموده و توجه نماید با چه فردی دوست می‌شود^۲». در فرهنگ قرآن، از دوستی بر اساس اندیشه‌های دینی به عنوان برادری دینی یاد شده است: «فاخوانکم فی الدین»^۳ چون ایمان اساس دین ورزی است، قرآن فقط مؤمنان را به دلیل اشتراک در گوهر ایمان، برادر دینی یکدیگر می‌داند: «انما المؤمنون اخوة»^۴. چون ایمان دینی دارای بُعد شناختی است که از طریق اندیشه و عقیده پرورش می‌یابد، بنابراین از آیه شریفه می‌توان استفاده کرد که در فرهنگ قرآن برادری‌ها و دوستی‌ها بر اساس نزدیکی و همخوانی در افکار و اندیشه‌ها شکل می‌گیرد نه بر اساس قرابت نسبی و هم‌خونی. در تاریخ فراوان مشاهده شده‌اند انسان‌ها و حتی برادران یا خواهران نسبی که به دلیل اختلاف عقیدتی و فکری با یکدیگر نزاع‌های شدید داشته‌اند و بالعکس بوده‌اند و هستند افرادی که قرابت و نزدیکی خونی و سببی با یکدیگر نداشته و ندارند ولی عمیق‌ترین برادری‌ها و دوستی‌ها را به دلیل نزدیکی در افکار و اندیشه با یکدیگر داشته و دارند. امام علی علیه السلام که پرورش یافته قرآن و مکتب تربیت نبوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، با تأسی به فرهنگ قرآن، در سخنان خود تعبیر برادر دینی را فراوان به کار برده است: «انما انتم اخوان علی دین الله»^۵ و «الاخوان فی الدین»^۶، «اخ لک فی الدین»^۷.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۱۲.

۴. حجرات/ ۱۰.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۸.

۱. فرقان/ ۲۸.

۳. احزاب/ ۵.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳.

در اندیشه امام علی علیه السلام، اساساً رفیق و دوست شفیق و مهربان، فردی است که انسان را در دینداری شایسته و صالح کمک کند: «انما سُمي الرفیق رفیقاً لانه یرفقک علی صلاح دینک فمن احانک علی صلاح دینک فهو الرفیق الشفیق»^۸. بنابراین اگر دوست به تکامل و اصلاح دینداری انسان کمک نکند، دوست شفیق و مهربان نیست و انسان باید از دوستی با افرادی که نزدیکی و دوستی با آنها، برای دینداری انسان خطرناک و آسیب‌زاست پرهیز نماید: «ایاک و مقاربه من رهته علی دینک و یرضک»^۹.

آنچه تاکنون در اهمیت شکل‌گیری دوستی‌ها بر اساس دین و ارزش‌های دینی گفته شد، می‌تواند به منزله عامل پیشگیری و بازدارنده از آسیب‌های گزینش دوست تلقی گردد. بعضی از اصناف دوست که می‌توانند به گرایش دینی انسان‌ها و خصوصاً جوانان آسیب برسانند، در اندیشه امام علی علیه السلام مشخص شده‌اند. امام علی علیه السلام در حدیثی خطاب به فرزندش، وی را از دوستی و رفاقت با انسان‌های احمق، بخیل، فاجر و کذاب برحذر داشته است: «یا بنی ایاک و مصادقة الاحمق فانه یرید ان یتعمک فیضرک و ایاک و مصادقة البخیل فانه یقعد عنک احوج ما تکنون الیه و ایاک و مصادقة الفاجر فانه یسببک بالتافة و ایاک و مصادقة الکذاب فانه کالسراب یقرّب علیک البعید و یبعّد علیک القریب»^{۱۰}. در حدیث دیگری نیز امام علی علیه السلام تصریح کرده‌اند: «مجالسة اهل الهوی منساة للایمان و محضرة للشیطان؛ هم نشینی و دوستی با اهل هوی و هوس باعث فراموشی ایمان دینی و حضور شیطان (و در نتیجه ارتکاب گناه) است»^{۱۱}.

چون هوی و هوس، حماقت، بُخل، فجور و کذب، در اسلام مذمت و تقیح شده‌اند، اموری مخالف دین و ارزش‌های دینی هستند بنابراین دوستی با افراد متصف به این امور، می‌تواند از عوامل آسیب‌زا در دین‌ورزی انسان، خصوصاً جوانان قلمداد شود.

۴-۵. فقر و غنای مفرط اقتصادی؛

علاوه بر فقر فرهنگی که در مباحث قبل از عوامل مهم آسیب‌زا در دینداری جوانان به حساب آمد، فقر اقتصادی نیز می‌تواند باعث ضعف و نقصان دینداری شود. فردی که

۸. میزان الحکمة، ج ۴، واژه رفیق.

۷. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۱۰. نهج البلاغه، حکمت ۳۸.

۹. جلوه‌های حکمت، ص ۲۳۶.

۱۱. همان، خطبه ۸۶.

برای تأمین نیازهای ضروری و اولیه زندگی مادی خود از صبح زود تا پاسی از شب به طور مستمر به کار سخت و طاقت فرسا تن می‌دهد طبیعی است که نتواند وظایف دینی و شرعی خود را به صورت شایسته انجام دهد و عدم انجام شایسته تکالیف دینی نیز باعث ضعف و نقصان دینداری خواهد شد. با توجه به این واقعیت، در اندیشه امام علی علیه السلام فقر از جمله علل نقصان و ضعف دینداری ذکر شده است.

- «یا بنی من ابتلی بالفقر ابتلی باریع خصال: بالضعف فی یقینه والنقصان فی عقله والرقه فی دینه وقلة الحیاء فی وجهه فتمعوذ بالله من الفقر؛ فرزندم، فردی که دچار فقر گردد به چهار خصلت دچار می‌شود: ضعف در یقین، نقصان در عقل، سستی در دین و کم‌حیایی در چهره؛ پس از فقر به خدا پناه می‌بریم»^۱.

- «یا بنی ائی اخاف علیک الفقر فاستعذ بالله منه فان الفقر منقصة للدين، مدهشة للعقل، داعية للمقت؛ فرزندم، به درستی که بر تو از فقر می‌ترسم. از فقر به خدا پناه ببر، به درستی که تنگدستی، ضعف و نقصان دینداری و سرگردانی خرد و دشمنی را به دنبال دارد»^۲. علاوه بر فقر اقتصادی، غنای مفرط اقتصادی نیز می‌تواند زمینه طغیان و فساد را فراهم کرده و از عوامل آسیب‌زا در دینداری تلقی شود. قرآن کریم استغنا و بی‌نیازی انسان را موجب طغیان و گناه می‌داند: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ»^۳. به نظر می‌رسد وجه طغیان‌گری انسان‌های غنی و ثروتمند، این است که این افراد در اثر تأمین همه نیازهای مادی و رفاه بیش از حد و متعارف، فقر وجودی تصریح شده در آیه «یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله والله هو الغنی الحمید»^۴؛ را فراموش نموده و در نتیجه روحیه استکباری در آنها رشد می‌نماید. واضح است که روحیه استکباری و طغیان‌گری، قید و بندهای معقول و کمال آفرین دین الهی را برنخواهد تابد و برتنبایدن احکام دینی و عدم تسلیم در مقابل آنها، از عوامل آسیب‌زا به دینداری خواهد بود.

امام علی علیه السلام که پرورش یافته وحی قرآنی است، همانند قرآن، غنا و بی‌نیازی مفرط اقتصادی را عامل طغیان و عصیان می‌داند: «الغنی یطغی»^۵، «ثروة المال تزدی و تطغی و تفتنی»^۶. با توجه به تأثیر فراوان غنای مفرط در طغیان‌گری و ارتکاب گناه و تأثیر انجام گناهان

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

۴. فاطر/۱۵.

۶. همان، ص ۳۶۸.

۱. جامع الاخبار، ص ۱۲۹.

۳. علق/۷ و ۶.

۵. تصنیف غرالحکم، ص ۳۶۹.

در تضعیف و نقصان دین، امام علی علیه السلام به آسیب رسانی مال دوستی به دینداری تصریح کرده‌اند. ایشان در حدیثی، دوستی مال و ثروت را باعث وهن و سستی دین‌داری و فساد یقین دانسته‌اند: «حب المال یوهن الدین و یفسد الیقین»^۱.

هم‌چنین امام علی علیه السلام در حدیث دیگری زیادی مال و ثروت را باعث فساد دین و قساوت و سختی قلب‌ها دانسته‌اند: «واعلموا ان کثرة المال مفسدة للدين مقساة للقلوب»^۲ نتیجه اینکه فقر و غنای مفرط اقتصادی، هر دو می‌تواند به دینداری آسیب وارد نماید. راهکار امام علی علیه السلام برای از بین رفتن فقر و غنای مفرط و در نتیجه مصون ماندن دین از آفات و آسیب‌ها، اجرای عدالت است. امام علیه السلام در حدیثی، عدالت را باعث زنده ماندن احکام دین در جامعه ذکر کرده‌اند: «العدل حیاة الاحکام»^۳ در حدیث دیگری، عدالت را باعث پاکی و دوری از ستم‌ها و گناهان و تسهیل و گشایش در اسلام دانسته‌اند: «جعل الله سبحانه العدل قواماً للانام و تنزیهاً من المظالم والاثام و تسنیةً للاسلام»^۴.

۵۵. سختی ازدواج

در بحث ویژگی‌های جوان گذشت که بلوغ یکی از ویژگی‌های دوره جوانی است. با فرا رسیدن بلوغ، زمینه بروز و فعالیت غریزه جنسی ایجاد و احتمال بزهکاری‌ها و انحرافات رفتاری و اخلاقی ناشی از طغیان این غریزه افزایش می‌یابد. به دلیل مخالفت بزهکاری‌ها و انحرافات رفتاری و اخلاقی با ارزش‌های دینی، بروز آنها می‌تواند باعث آسیب‌پذیری گرایش دینی گردد. راهکارهای عملی اسلام برای مقابله با آسیب‌های احتمالی دینداری جوانان در اثر غریزه جنسی، عبارتند از:

الف) آسان‌سازی ازدواج

ب) تحکیم مبانی دینی.

الف) آسان‌سازی ازدواج

در اندیشه اسلامی، ازدواج از عوامل رشد و کمال دین محسوب می‌شود: «اذا تزوج العبد فقد استكمل نصف الدین فلیتق الله فی النصف الباقی؛ وقتی انسان ازدواج نماید نیمی

۱. همان.

۲. تحف العقوله قسمت احادیث امام علی (ع).

۳. تصنیف غررالحکم، ص ۹۹.

۴. همان، ص ۹۹.

از دین خود را کامل کرده است، پس باید درباره نصف دیگر دین خود به خدا پناه آورد^۱. با وجود راهکار عملی ازدواج، سؤال این است که چرا سن ازدواج بالا رفته و می‌رود؟ در پاسخ باید گفت یکی از عوامل مهم سختی و بالا رفتن سن ازدواج، تغییر فرهنگ اسلامی ازدواج در جامعه است که مصادیق و جلوه‌های این تغییر را می‌توان در شرط‌های سنگین خانواده‌ها، مثل لزوم تهیه منزل ملکی، برگزاری تجمعاتی جشن ازدواج، مهریه‌های سنگین و... برشمرد که همچون غل و زنجیر بر فکر و اندیشه مردم درباره ازدواج سنگینی می‌کند. تنها راه باز کردن این غل و زنجیر، بازگشت به فرهنگ اسلامی ازدواج است که بهترین الگو و نمونه آن را در ازدواج کم خرج و بی‌پیرایه امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا (س) می‌توان مشاهده نمود.

بنابراین یکی از وظایف حکومت اسلامی اصلاح فرهنگ‌های غلط و ترویج فرهنگ صحیح است که این کار حتماً باید درباره فرهنگ ازدواج انجام پذیرد.

علاوه بر این عامل فرهنگی، یکی دیگر از عوامل سختی ازدواج و تأخیر سن آن، مشکلات اقتصادی و بالا بودن تورم و هزینه زندگی است. یکی از حقوق فرزندان بر گردن پدر، این است که وقتی فرزند بالغ شد، پدر زمینه ازدواج او را فراهم نماید: «من حقّ الولد علی والده ثلاثة یحسن اسمه و یعلمه الکتابه و یزوجه اذا بلغ؛ البتّه واضح است که این حق مقید به تمکّن مالی است و در صورت عدم تمکّن مالی پدر، وظیفه حکومت اسلامی است که به ازدواج جوانان کمک نماید^۲».

در سیره امام علی علیه السلام، نقل شده است که فردی مبتلا به خودارضایی شده بود. وی را نزد حضرت آوردند و ایشان پس از تنبیه و مجازات، با بودجه بیت المال زمینه ازدواج او را فراهم ساخت^۳. پس در اندیشه اسلامی - علوی، برای پیشگیری از آسیب دینداری جوانان، آسان‌سازی ازدواج نخستین و بهترین گزینه و راه حل است؛ اما اگر به دلیل مشکلات مذکور، جوان در موقع مناسب موفق به ازدواج نشد، راه حل دوم در اندیشه امام علی علیه السلام، تحکیم مبانی دینی است.

۱. میزان الحکمه، ج ۴، وازه زوج.

۲. الطفل ونشوه و تربیته، ص ۳۳۲ به نقل از بحار ج ۱۰۴ ص ۹۲ ح ۱۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۸، کتاب الحدود و التعزیرات ابواب نکاح البهائم... باب سوم، روایت ۱.

ب) تحکیم مبانی دینی

در اندیشه علوی، تقویت مبانی دینی، عامل بازدارنده مهمی در مقابل تحریکات جنسی و پیشگیری از ارتکاب محرمات الهی به شمار می‌رود. هرچه زمینه تدبیر و دین‌ورزی بیشتر باشد، انسان در مقابل شهوات که یکی از مصادیق برجسته آن، شهوت جنسی است، از مصونیت بیشتری برخوردار خواهد بود: «صیاته المرء علی قدر دیانتته»؛ «الدین یصدّ عن المحارم»^۲.

نتیجه اینکه علاوه بر آسان‌سازی ازدواج، برای آسیب زدایی دینداری جوانان، راهکار ایجابی دیگر مقاوم‌سازی جوانان در برابر تحریکات جنسی از طریق تحکیم مبانی دینی است. البته در کنار دو راهکار ایجابی فوق، از بین بردن زمینه‌های تحریک جنسی جوانان در فضای عمومی جامعه به عنوان راهکاری سلبی نیز ضروری است. بعضی از زمینه‌های تحریک آمیز شهوات جنسی جوانان عبارت است از:

- پدیده بد حجابی و ظاهر شدن بعضی از زنان و دختران آرایش کرده به طور تحریک آمیز در سطح جامعه؛

- کالاهای مسموم و تحریک کننده شهوات جنسی، مانند بعضی از مجلات، فیلم‌ها، رمان‌ها و نوارهای مبتذل؛

- مختلط بودن کلاس‌های دختران و پسران جوان در مراکز آموزش عالی.

خلاصه و نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان این گونه نتیجه گرفت که در اندیشه امام علی علیه السلام عوامل متعددی می‌توانند به دین‌گرایی جوانان آسیب وارد نمایند که مهم‌ترین آنها به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. با وجود توصیه‌های فراوان از سوی معصومین علیهم السلام مبنی بر اینکه تربیت دینی فرزندان باید از سنین خردسالی و با کمک آموزه‌های قرآن و حدیث انجام گیرد، متأسفانه والدین در اثر عدم آگاهی از این توصیه‌ها یا عدم توجه جدی به آنها، نسبت به تربیت دینی فرزندان خود از سنین خردسالی که آمادگی بیشتری برای پذیرش دارند. سهل‌انگاری می‌نمایند و نتیجه این سهل‌انگاری، ضعف و فقر فرهنگ دینی در بین آنها

و در نتیجه فراهم شدن امکان آسیب‌پذیری دینی آنها در سن جوانی است.

۲. مهم‌ترین عامل آسیب‌پذیری در جوانان، ضعف و فقر فرهنگ دینی در بین آنها است. این ضعف را از دو راه می‌توان برطرف نمود: یکی تلاش و جهاد فرهنگی خود جوان برای آشنایی عمیق با معارف دینی و دیگری تلاش و جهاد فرهنگی رهبران دینی و مراکز فرهنگی از راه تهیه خوراک‌های فکری و دینی صحیح و مناسب.

۳. عامل مهم دیگر در آسیب‌دیدن دین‌گرایی جوانان، دوست بد است. توصیه امام علی علیه السلام برای پیشگیری از آسیب‌های این عامل، شکل‌گیری دوستی‌ها بر اساس ارزش‌های دینی و ایمانی است.

۴. در اندیشه امام علی علیه السلام فقر و غنای مفرط اقتصادی نیز یکی از عوامل آسیب‌زا به دین‌گرایی است و راه مبارزه با آن، اجرای عدالت اجتماعی و همگانی است.

۵. یکی از جلوه‌های آسیب‌رسانی فقر اقتصادی به دین‌گرایی جوانان، مشکلات مربوط به ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج است. راه مبارزه با این عامل، رواج فرهنگ ازدواج‌های ساده و بدون تجمل با پیروی از سیره امام علی علیه السلام است.

همه عوامل یاد شده را در سه نوع عامل «فرهنگی»، «اجتماعی» و «اقتصادی» می‌توان دسته‌بندی نمود. بدون تردید در بین این عوامل، مهم‌ترین عامل، عامل فرهنگی است؛ زیرا رفتارهای انسان از افکار و عقاید او نشأت می‌گیرد که فرهنگ سازنده آنهاست و به همین دلیل، فقر و ضعف فرهنگ دینی در بین جوانان، می‌تواند به افکار و عقاید و در نتیجه به رفتارهای آنها آسیب برساند. مهم‌ترین راهکار به دست آمده از اندیشه امام علی علیه السلام برای مقابله با ضعف و فقر فرهنگ دینی در بین جوانان، تقویت و تعمیق فرهنگ دینی در بین آنها از راه تغذیه صحیح فکری و روحی آنها با آموزه‌های نورانی قرآن و حدیث است.

پیشنهاد

روش صحیح تحکیم مبانی دینی نسل جوان از راه آموزه‌های قرآن و حدیث از دوران کودکی، مقوله‌ای کاملاً حساس، ظریف، پیچیده و کارشناسانه است که نیازمند مطالعه و پژوهش عمیق است. به معاونت پرورشی وزرات آموزش و پرورش و مرکز مطالعات تربیت اسلامی توصیه می‌شود با کمک حوزه‌های علمیه و دیگر مراکز فرهنگی دلسوز،

در جهت رفع موانع و راهکارهای تربیت دینی نسل آینده جامعه از طریق آموزه‌های قرآن و حدیث، مطالعات و پژوهش‌های جدی انجام دهند. آموزش و ترویج صحیح و روشمند فرهنگ قرآن و حدیث در مراحل مختلف، اعم از استخراج و بسته‌بندی جذاب مناسب و روز آمد و روش انتقال درست و آسان آن به متریان، نیازمند مطالعه و پژوهش توسط کارشناسان است.

از این طریق می‌توان به طرح‌ها و راهکارهای عملی و عینی به منظور تحکیم مبانی دینی جوانان از همان کودکی دست یافت و کودکان را در مقابل آسیب‌های تهدید کننده دینداری آنها در دوران جوانی واکسینه نمود.

گزیده منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، و شرح‌ها و ترجمه‌های مختلف آن.
۳. آمدی، عبدالواحد محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸ (ش).
۴. محمدی ری شهری؛ میزان الحکمة، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: چاپ اول، ۱۳۶۲ (ش).
۵. طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن؛ اعلام الوری بأعلام الهدی: طبع مؤسسه آل البیت (ع)، لاحیاء التراث، قم المشرقه، الطبعة الاولى، ربيع الاولی، ۱۴۱۷ (ه.ق).
۶. خسرو پناه، عبدالحسین؛ کلام جدید، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹.
۷. کلینی، محمدابن یعقوب؛ اصول و فروع کافی، چاپ دارالکتب الاسلامیه.
۸. مؤسسه البعثه؛ الطفل نشووه و تربیته، قسم الاطفال والناشئين لمؤسسة البعثه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ (ه.ق).
۹. ناظم زاده، سیداصغر؛ جلوه‌های حکمت (گزیده موضوعی کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام)، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۳ (ش).
۱۰. حر عاملی؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۱. طبرسی؛ الاحتجاج، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت، الطبعة الثانية ۱۴۰۳ (ه.ق).

۱۲. نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، لاحیاء التراث، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ (ق.ه).
۱۳. حرانی، ابن ابی شعبة؛ تحف العقول، بخش کلمات امام علی علیه‌السلام، انتشارات علمیه اسلامیة.
۱۴. احمدی، سید احمد؛ روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، انتشارات مشعل اصفهان، چاپ چهارم، تیر ۱۳۷۳.
۱۵. خدایاری فرد، محمد؛ مسائل نوجوانان و جوانان، واحد انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، تهران: چاپ اول، بهار ۱۳۷۹.
۱۶. مظلومی، رجبعلی؛ دین و جوان، نشر آفاق، چاپ دوم، ۱۳۶۸ (ش).
۱۷. جوان و رسالت حوزه، (مجموعه مقالات همایش جوان و رسالت حوزه)، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، بهار ۱۳۷۹.
۱۸. مجله نگاه حوزه، ویژه دین و جوان، شماره ۵۰-۴۹-۴۸، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان واحد مجله حوزه.
۱۹. باهنر، ناصر؛ «آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد»، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ (ش).
۲۰. فلسفی، محمد تقی؛ جوان از نظر عقل و احساسات، تهران: انتشارات هیأت نشر معارف اسلامی، ۱۳۶۴.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی